ولوی، پروانه؛ دارم، احمد؛ پاک سرشت، محمد جعفر؛ صفایی مقدم، مسعود؛ حسین زاده، علی محمد (۱۳۹۶). اندیشه‌های نومعتزله و تعلیم و تربیت. *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*،۷ (۱)، ۱۰۲-۸۴
DOI: 10.22067/fedu.v7i1.63727

اندیشه‌های نومعتزله و تعلیم و تربیت

پروانه ولوی [۱]، احمد دارم [۲]، محمد جعفر پاک سرشت [۳]، مسعود صفایی مقدم [۴]، علی محمدحسین زاده [۵]

تاریخ دریافت : ۹۶/۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۳۱

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تحلیلی اندیشه‌های نومعتزله و استخراج استلزام‌های تربیتی آن می‌باشد. در این مقاله تصریح شده است که دغدغهٔ اصلی نومعتزلیان یافتن عوامل پیشروی و باز سازی دنیای اسلام است. از دیدگاه آنها، اسلام عامل عقب‌ماندگی مسلمانان نیست، بلکه این تفسیرها و فهم‌های نادرست از اسلام و نادیده گرفتن جایگاه عقل است. از مهم‌ترین مبانی نومعتزلیان، علم‌گرایی و سکولاریسم است. نومعتزلیان بر این باورند که اسلام می‌تواند با مدرنیته، حقوق بشر، دموکراسی و عقلانیت سازگار باشد. نتایج نشان داد که در تعلیم و تربیت نومعتزله آنچه مورد تأکید است عبارت‌اند از: تأکید بر آزادی در تعلیم و تربیت به ویژه آزادی آکادمیک، عدالت آموزشی، تشویق عقلانیت و تفکر، نوآوری، استفاده از روش‌های گفتگو، نقد و مباحثه در تعلیم و تربیت، تأمین فرصت آموزشی برابر برای مردان و زنان، طرفداری از تحقیقات علمی و بنیادی برای حل بحران‌های جامعه معاصر، مبارزه با جهل و خرافات، توجه به همه جنبه‌های آدمی در تعلیم و تربیت، تأکید بر استقلال و عدم وابستگی نظام آموزشی به ویژه دانشگاه به هیچ نهاد یا حزب دولتی یا دینی است.

واژه های کلیدی: اسلام، تعلیم و تربیت، نومعتزله

۱. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)، p.valavi@scu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران اهواز، -lila.azizi000@gmail.com
۳. استاد دانشگاه شهید چمران اهواز
۴. استاد دانشگاه شهید چمران اهواز
۵. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

نومعتزله ریشه در اندیشه‌های کلامی معتزله کلاسیک دارد. معتزله کلاسیک نحله کلامی برجسته‌ای در تاریخ اندیشه‌های اسلامی است که رویکردی عقلانی در تفسیر مسائل دینی داشته و در قرون اولیه اسلام پدید آمده است. «نحله نومعتزله نزدیک به دو قرن است که حیاتش را آغاز کرده است و با فراز و فرود به حرکت خود ادامه می‌دهد. گاهی نومعتزله را به سه قطب هند، ایران و شمال آفریقا تفکیک می‌کنند(Goli & Yousefian, 2010). این تقسیم‌بندی بیشتر جنبه جغرافیایی دارد و بنا به باور بسیاری، موج اول نومعتزله با سید جمال‌الدین اسدآبادی آغاز شده است. سیدجمال اسدآبادی در گرایش به معتزله بیشتر یک عنصر سیاسی در حیطه تجددخواهی اسلامی به شمار می‌رود و عامل ارتباط میان سه قطب مذکور است، پس از او این جریان توسط شاگردش محمد عبدُه در مصر پی گرفته شد. او معتقد بود اسلام تنها دینی است که بر پایه «عقل و وحی» استوار است و باید فهم و درکی تازه از قصص قرآنی، تمثیل‌ها و رمزهای قرآن ارائه داد. جریان فکری ایجاد شده را کسانی مانند طه حسین، امین خولی و محمد احمد خلف الله دنبال کردند.

در سیر تاریخی رشد اندیشه‌های نومعتزله طه حسین نقش خاصی ایفا کرد، روش نقد علمی او بیشتر اسنادی و تحلیلی بود و به قصص قرآن نگاهی تمثیلی و تأویلی داشت (Abu Zaid, 2013, P. 94). پس از طه حسین منتقدانی ظهور کردند که به «مکتب ادبی قرآن» معروف شدند. در این سیر تاریخی امین خولی با آراء جدید خود حرکتی مبنایی به نومعتزلیان داد. روش او ترکیبی از اندیشه محمد عبدُه و طه حسین بود، امین خولی بر نقش مفسر در فهم قرآن توجه فراوانی داشت و بر این باور بود که مفسر درک و فهم خود را بر متن می‌افزاید. این جریان (موج اول نومعتزله) چند دهه در محاق سکوت رفت، اما بار دیگر از سوی کسانی مانند حسن حنفی، محمد آرکون، محمد عابد جابری و نصر حامد ابوزید (موج دوم نومعتزله) احیاء شد. پیرامون رابطه میان معتزله و نومعتزله اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. برخی منتقدان منکر وجود رابطه نظری و فکری میان معتزله و نومعتزله هستند و برخی شباهت نومعتزله به معتزله را در عقل‌گرایی، اصل عدل، قرآن‌شناسی و تأویل گرایی می‌دانند (Beheshti, 2014, P. 514). تفاوت اصلی این دو در این است که نومعتزله مبانی فکری معتزله را با عناصر فکری- فلسفی و روش‌های نوین غربی مانند هرمنوتیک[1]، تبارشناسی[2]، نشانه‌شناسی[3]، فلسفه مدرن[4]، پست‌مدرن[5] و فلسفه سیاسی غرب (حقوق بشر، برابری،

1 . Hermeneutic
2 . Genealogy
3 . Semiotics
4 . Modern Philosophy
5 . Postmodern

دمکراسی[1]، سکولاریسم[2] و فمینیسم[3]) ادغام نموده است (Gunther, 2004, P. 138). عقل‌گرایی و تأویل گرایی (هرمنوتیک مدرن) متون مقدس (قرآن و حدیث) موضوع محوری نومعتزله است و بر موضوع‌هایی مانند ضرورت اصلاح دینی، کثرت‌گرایی[4]، سکولاریسم، آزادی، حقوق بشر، عدالت، برابری و فمینیسم تأکید دارد (Ahmad, 2011, P. 13). از بعد تاریخی نیز می‌توان گفت نومعتزله تحت تأثیر مباحثی چون علل عقب‌افتادگی تمدن اسلامی و واکنشی در برابر مدرنیته[5] بوده است (Jaberi, 2010, P. 524) هدف‌های نومعتزله گاه به صراحت و گاه به شکل تلویحی مطرح شده است. این هدف‌ها را می‌توان در سه حیطه اصلی تغییر، تفکیک و کثرت‌گرایی مطرح نمود.

۱) **تغییر**: نومعتزله به‌طورکلی خواهان تغییر و مخالف آراء محافظه‌کاران و سنت‌گرایان (Jaberi, 2010, P. 84) و نیز خواهان تجدیدنظر، نواندیشی دینی و فتح باب اجتهاد نوین می‌باشد.
۲) **کثرت‌گرایی**: نومعتزله بر کثرت‌گرایی معرفتی، کثرت‌گرایی معرفت دینی و کثرت‌گرایی سیاسی تأکید دارد (Archon, 1991, P. 72).
۳) **تفکیک**: یکی از هدف‌های عمده نومعتزله تفکیک است؛ تفکیک دین از ایدئولوژی و تفکیک ایمان و عقیده سکولاریسم است (Abu Zaid, 2015, P. 293) که مقصود جداسازی دین از سیاست و حکومت و نه دین از جامعه است (Jaberi & Hanafi, 2013, P. 149).

رویکرد اصلی نومعتزله در پژوهش، مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی و تاریخی است. قرآن‌شناسی و عقل دو موضوع اصلی پژوهش‌های این جریان فکری است. آرکون، ابوزید، جابری قرآن شناس بودند و تمرکز اولیه آن‌ها بر ماهیت وحی بود. از ویژگی‌های نومعتزله استفاده از روش‌های پژوهشی نوین در امر دین است. ویژگی بارز دیگری که در روش نومعتزله مشاهده می‌شود، روش انتقادی است (Archon, 2015, P. 327). اصولاً نومعتزله به عنوان یک نحله منتقد و نواندیش اسلامی که خواهان تغییر است، فعالیت می‌کند. روش‌های رایج در پژوهش‌های نومعتزله تحلیلی، تبارشناسی، ساختارگرایی[6]، ساختارشکنی[7]، نشانه‌شناسی و هرمنوتیک است. پذیرش و مجاز دانستن استفاده عملی از روش‌های نوین غربی مانند (هرمنوتیک فلسفی) در مقوله‌های دینی (اسلامی) از سوی نومعتزله استلزام‌های گسترده‌ای را در حیطه تعلیم و تربیت به همراه دارد.

دغدغهٔ اصلی نومعتزلیان یافتن عوامل پیشروی و بازسازی دنیای اسلام است. به نظر این گروه،

1 . Democracy
2. Secularism
3. Feminism
4. Pluralism
5. Modernism
6.Structuralism
7.Deconstruction

مسئول عقب‌ماندگی مسلمانان، اسلام نیست بلکه تفسیرها و فهم‌های نادرست از اسلام و نادیده گرفتن جایگاه «عقل» در اثر رواج افکار اشعری‌گری است. یکی از مهم‌ترین مبانی نومعتزلیان «علم‌گرایی» یا معیار قرار دادن جدیدترین دستاوردهای علوم بشری در بررسی آموزه‌های دینی است. از مبانی دیگر که بسیاری از نومعتزلیان به آن اعتقاد دارند، «سکولاریسم» است. با اتخاذ چنین مبنایی، آنها دعوت به اسلامی کردن را نه تنها در فقه بلکه در ادبیات، هنر و به‌طورکلی دانش مردود دانسته و با دینی کردن مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی مخالفت می‌کنند. نومعتزلیان بر این باورند که اسلام می‌تواند با مدرنیته، حقوق بشر، دموکراسی و عقلانیت سازگار شود (Goli and Yousefian, 2004).

پژوهش‌های دانشگاهی معدودی پیرامون معتزله و نومعتزله انجام شده است. از جمله این مطالعات می‌توان به پژوهش وُلکر اشاره نمود که به بررسی تطبیقی روش تفسیری رحمن، آرکون و ابوزید درباره قرآن پرداخته است (Volker, 2011). همچنین آتش‌زایی در مطالعه دیگری برخی مبانی فکری حامد ابوزید و ریشه‌های تاریخی آن را مورد بررسی قرار داده است (Atshzayi, 2014). رحمن نیز ضمن بررسی عناصر هرمنوتیک نومعتزله معتقد است که ابوزید مدیون هرمنوتیک مسیحیت نوین و پست‌مدرن است (Rahman, 2001). گلی و یوسفیان بر این باورند که رویکرد نومعتزله ناتوانی بشر از دستیابی به مسیر سعادت حقیقی را نادیده گرفته و از حکمت متعالی غافل است و برخلاف نظر نومعتزلیان داستان‌های قرآن را ادبی نمی‌دانند و معتقدند آن‌ها واقعی هستند (Goli and Yousefian, 2010). توکلی بینا و اکبری نیز معتقدند که ادعای ابوزید مبنی بر وابستگی اسلام و قرآن به فرهنگ خاص عرب اشتباه است؛ زیرا رسالت اسلام جهانی است و اصولاً ابوزید مقوله فرهنگ را تبیین نکرده است (Tavakoli Bina and Akbari, 2012). اگرچه نومعتزله کمتر پیرامون تربیت و نظام تربیتی نظر داده‌اند، اما از مبانی نظری آن‌ها پیرامون فلسفه، دین، اجتماع، فرهنگ و سیاست می‌توان تعلیم و تربیت نومعتزله را استنباط نمود. نومعتزلیان روشنگری، فرهنگ، تربیت و آموزش را تنها راه و تواناترین راه اصلاح و توسعه جوامع اسلامی می‌دانند. با توجه به اهمیت و نقش آراء نوگرایانه «عقل‌گرایانه و هرمنوتیکی» نومعتزله در اسلام‌شناسی معاصر، انجام پژوهشی پیرامون اندیشه‌های آنان با رویکرد تربیتی ضروری است. با تأمل در باب این پژوهش‌ها در می‌یابیم که گر چه هر یک از آن‌ها به نحوی اندیشه‌های نومعتزله را مورد تحلیل و تفسیر قرار داده‌اند، اما هیچ یک تعلیم و تربیت نومعتزله را مورد توجه قرار نداده و تاکنون پژوهشی پیرامون تعلیم و تربیت نومعتزله انجام نشده است. این در حالی است که اصول و مبانی فکری نومعتزلیان دربرگیرنده هدف‌هایی چون تربیت تفکر انتقادی، عقل محوری، ایجاد بستر رشد و خلاقیت در تربیت، واقعیت محوری است و به روش گفتگو محوری در روند تربیت معتقدند و محتوای

تربیتی و آموزشی را بر اساس هدف‌ها و غایت موردنظر خود ترسیم می‌کنند. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش بررسی تحلیلی اندیشه‌های نومعتزله و استخراج استلزام‌های تربیتی آن است. برای دستیابی به این هدف از روش توصیفی- تحلیلی بهره گرفته شد. بدین معنا که در مقام تبیین از روش تحلیل و در مقام کشف، دلالت‌های تربیتی و نتیجه‌گیری از روش استنتاجی استفاده شد.

هستی‌شناسی نومعتزله

نومعتزلیان در زمینه هستی‌شناسی واقع‌گرا[1] هستند، بدین معنا که جهان عینی و بیرونی را قابل شناسایی و واقعی می‌دانند. اما بر این موضوع تأکید دارند که متافیزیک مربوط به سپهر غیرقابل تأمل و غیرقابل دسترس برای فهم بشری است. درنتیجه تأکیدشان بر فهم عقلی این جهانی است. «در هستی‌شناسی نومعتزله، طبیعت و مابعدالطبیعه، دین، تاریخ، امر مقدس و امر نامقدس به هم وابسته و جدایی‌ناپذیرند.» (Abu Zaid, 2013, P. 51). همچنین واقعیت قابل پژوهش را «واقعیت» حقیقی، عینی و ملموس می‌دانند. «واقعیت دارای مفهومی وسیع و شامل نهادهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است.» (Abu Zaid, 2013, P. 51). عقل‌گرایی نومعتزله موجب شده تا پیرامون «هستی این جهانی» رویکرد تجربی و واقع‌گرایانه داشته باشند و برخی از مقوله‌های مطرح در الهیات سنت‌گرایانه اسلامی مانند «جن و برخی از قصص قرآن» را با تعبیر «مجازی بودن» تأویل و واقعی بودن آنها را رد کنند و بر «غایتمندی و مقصودیت» پیام قرآن تأکید کنند (Vasfi, 2008, P. 18). ازآنجاکه هستی‌شناسی نومعتزله بر عقل، استدلال، تجربه و واقع‌گرایی تأکید می‌کند، لذا در تربیت به علوم عقلی، نسبی‌گرایی، کثرت‌گرایی، تفکر انتقادی، مباحث تجربی، مباحث کاربردی و غیر ایدئولوژیک توجه ویژه دارند؛ زیرا هستی‌شناسی نومعتزله به انکار برخی از مقوله‌ها مانند جن، پری و خرافات می‌پردازد. بنابراین در این رویکرد تعلیم و تربیت می‌بایست تمایل بیشتری به کشف واقعیت‌های عینی و واقعی داشته باشد. با توجه به اینکه، پدیدارشناسی و هستی‌شناسی نومعتزله با هستی‌شناسی سنت‌گرا متفاوت است، در محتوا، روش و هدف‌های تربیت نیز تفاوت خواهند داشت.

معرفت‌شناسی نومعتزله

در معرفت‌شناسی نومعتزله جایگاه عقل و برهان (استدلال) بارز است و مانند معتزله کلاسیک به عقل انسان اهمیت داده می‌شود و همه چیز با توجه و برهان عقلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. چنان‌که ابوزید به صراحت

---

1 .Realism

بیان داشت که اسلام دین عقل است و هیچ دینی چنین به تعقل دعوت ننموده است (Abu Zaid, 2004, P. 6). به‌طورکلی در مبحث معرفت‌شناسی «عقل» انسان و تأویل برای نومعتزله مهم است، اما تفاوت اساسی آنان با معتزله کلاسیک این است که نومعتزله در این زمینه تحت تأثیر مکاتب فلسفی غرب است. نومعتزله در معرفت‌شناسی به مقوله‌های علم‌گرایی، تجربه‌گرایی، نسبی‌گرایی [1]، شک‌گرایی، هرمنوتیک، تبارشناسی، پدیدارشناسی [2]، نشانه-شناسی و تمام عناصر و ابزارهای معرفت‌شناسی نوین اهمیت می‌دهد (Razani, 2014, P. 162). در این میان هرمنوتیک، تبارشناسی، نشانه‌شناسی و اندیشه‌های پست‌مدرن ابزارهای بسیاری نیرومندی در دست نومعتزلیان بوده است (Rahman, 2001, P. 250). آرکون و ابوزید، نسبی بودن، متغیر بودن، پویا بودن و دیالکتیکی [3] بودن را از ویژگی‌های اساسی شناخت می‌دانند(Abu Zaid, 1987, P. 59).

متفکران نومعتزله معتقدند حقیقت مطلق «وحیانی»، مه‌آلود، پررمز و راز و غیرقابل دسترس است، درنتیجه کسی نمی‌تواند ادعای دسترسی به حقیقت مطلق داشته باشد .(Archon, 2015, P. 311) همچنین مدعی‌اند که حقیقت مطلق (در حوزه شناختی بشر) وجود ندارد و همه چیز نسبی است. ابوزید در این زمینه بیان می‌دارد که «شناخت نسبی است اما حقیقت الهی مطلق است.» (Abu Zaid, 2010, P. 6). پس حقیقت مطلق نزد کسی نیست. نسبی‌گرایی و کثرت‌گرایی معرفتی نومعتزله از عوامل اساسی اختلاف با سنت‌گرایان است (Kermani, 2004, P. 173).

تمام مختصات معرفت‌شناسی نومعتزله که به آن اشاره شد، در حیطه تربیتی نومعتزله انعکاس خواهد داشت. یعنی عقل‌گرایی، تجربه‌گرایی، نسبی‌گرایی و تمام روش‌های نوین (مدرن و پست‌مدرن) که در معرفت‌شناسی نومعتزله اهمیت دارند در تربیت نومعتزله هم حائز اهمیت هستند. این مختصات معرفتی و تربیتی در محتوا و روش‌های تربیتی آنان تأثیر عمده‌ای خواهد داشت و موجب می‌شود که تربیت نومعتزله متمایز از تربیت اسلامی سنت‌گرا باشد.

انسان‌شناسی نومعتزله

انسان‌شناسی نومعتزله ترکیبی از انسان‌شناسی فلسفی و علمی است. در بعد فلسفی تحت تأثیر معتزله کلاسیک است و مانند آن بر ضرورت عقلانیت، توانایی عقل بشری، برابری انسان‌ها در دریافت نعمت عقل و مختار بودن انسان تأکید دارد (Corben, 1994, P. 159). از نظر نومعتزله، انسان مخلوق خدا است. جسم

---

1 .Relativism
2 .Phenomenology
3 .Dialectical

و جان (نفس) هر دو مخلوق خدا و هر دو محترم هستند و مانند معتزله کلاسیک عقیده دارد که خواست خداوند این بوده که انسان آزادی عمل و حق انتخاب داشته باشد، این اختیار و آزادی عمل در جوار اصل عادل بودن خداوند است؛ زیرا خداوند عادل است و به همه آحاد بشر عقل داده است. درنتیجه انسان مختار و دارنده عقل مسئول عمل خویش است (Bu omran, 2003, P. 310). همچنین، نومعتزلیان بر ضرورت توجه به نیازهای مادی، معنوی و هنری، ضرورت آزادی، رفاه و برابری (از جمله برابری زن و مرد) تأکید دارند (Abu Zaid, 2013, P. 36). بنابر آنچه گفته شد، چون رویکرد نومعتزله انسان را ترکیبی از جسم و روح می‌داند و هر دو این ابعاد را برای رشد و تعالی انسان مهم می‌شمرد، لذا تربیت موردنظر این رویکرد باید بتواند به طور همزمان هر دو بعد وجودی انسان را پرورش دهد و این امر باید در هدف‌ها، روش‌ها و محتوای تربیتی آن نیز لحاظ شود.

ارزش‌شناسی نومعتزله

در بعد ارزش‌شناسی و فلسفه اخلاق بیشتر نومعتزلیان مانند معتزله کلاسیک به حسن و قبح عقلی در اخلاق باور دارند، بدین معنا که در حیطه ارزش و اخلاق عقل آدمی را در تشخیص و تمیز نیک و بد توانمند می‌شمارند. یعنی «عقل» را معیار برتر در تمیز نیک و بد و احکام عقل را امضاء شده از سوی خدا می‌دانند (Bu omran, 2003, P. 277). نومعتزله مانند معتزله کلاسیک بر ارزش‌های «تفکر و تعقل، اختیار و آزادی عمل، مسئولیت و امر به معروف و نهی از منکر» تأکید دارند و به سعادت در این جهان اهمیت می‌دهند. اما تحت تأثیر ارزش‌های مدرنیته، حامی ارزش‌های دیگری نیز هستند که با ارزش‌شناسی معتزله کلاسیک از قبیل اومانیسم[1]، آزادی (دینی، سیاسی، آموزشی، پژوهشی و فردی)، حقوق بشر، حق انتقاد و توسعه متفاوت است (Volker, 2011, P. 188).

قرآن‌شناسی در نومعتزله

موضوع اصلی و مشترک نظریه‌پردازی نومعتزله «قرآن» است. برخی متفکران نومعتزله مانند عبده، آرکون، رحمن و ابوزید بر این باورند که در فرایند «نواندیشی و اصلاح» نخستین گام ضروری «هستی‌شناسی» نوین «وحی و قرآن» است. آنها معتقدند که قرآن حادث است و به موازات اعتراف (باور) به الهی بودن قرآن، زبان و کلام قرآن را زبانی بشری و معجزه قرآن را در زیبایی‌های ادبی آن می‌دانند(Abu

1. Humanism

(Zaid, 2010, P. 48) و پیوسته سعی در ارائه تعریف جدیدی از فرایند نزول، دریافت و ماهیت «وحی» داشته‌اند. رویکرد تفسیری آنان عقل‌گرایانه، تأویلی، هرمنوتیکی، تبارشناسی، زبان‌شناسی[1] و نشانه‌شناسی است (Zainol, Abdmajid, Abduul kair, 2014, P. 64). ومعتزلیان مدعی‌اند مضامین قرآن متأثر از تاریخ و فرهنگ بوده و بخشی از مضامین قرآن مربوط به امور و حوادث خاص در زمان نزول بوده است. آنان براین باورند که مضامین قرآن شامل مقوله‌های جزئی و تاریخ‌مند (تاریخیت) و امور و غایت کلی و اصلی است و بر ضرورت توجه به غایت اصلی قرآن تأکید دارند و غایت اصلی اسلام را سعادت و عدالت می‌دانند (Abu Zaid, 2004, P. 88).

به واسطه روش تفسیری- تأویلی که نومعتزله در باب قرآن داشته دارد، بسیاری از موضوع‌ها و مسائل متعارف اسلامی از جمله حجاب اسلامی زنان را زیر سؤال برده است (Zainol, Abdmajid, Abduul kair, 2014, P. 65)، این تفسیرها و تأویل‌ها یکی از چالشی‌ترین مسائل محل اختلاف با دیگر اسلام‌گرایان بوده است تا آنجا که آنان را به تأویل افراطی، بدعت و انحراف متهم نموده است (Bagheri Nia, 2015, P.106). این نگاه تأویلی- هرمنوتیکی به قرآن و اسلام نتایج متعددی در تعلیم و تربیت نومعتزله دارد.

رابطه دین و تربیت از نظر نومعتزله

دین و تربیت، دو واقعیت اصیل و تأثیرگذار در زندگی انسان به شمار می‌آیند و با یکدیگر رابطه‌ای متقابل دارند. از یک‌سو، جلوه‌های گوناگون دین در شکل‌دهی و گسترش فرایند تربیت نقش اساسی ایفا کرده است به‌نحوی‌که بررسی تاریخچه‌ی تعلیم و تربیت جهان حاکی از آن است که در بیشتر دوره‌های گذشته و سرزمین‌ها، «دین» اولین و مهم‌ترین نهاد تربیت بوده است. از سوی دیگر، جریان تربیت به صورت ابزاری مؤثر در خدمت تحقّق هدف‌ها و ارزش‌های دینی و تثبیت موقعیت دین در جوامع یا برعکس به عنوان وسیله‌ای برای تضعیف و محو باور دین و التزام به آن قرار گرفته است (sadeghzade ghamsarie, 2002).

موج اول نومعتزله در ابعاد مختلفی از امر تربیت درون جوامع اسلامی مؤثر بوده است، به ویژه با توجه به اینکه بنیان‌گذاران نومعتزله بیشتر در نقش نواندیش، مصلح اجتماعی و تربیتی ظاهر شدند. همچنین همه بنیان‌گذاران اندیشه نومعتزله بر ضرورت آموزش‌های جدید تأکید می‌نمودند و از تحصیل‌کردگان جدید و در نقش مربی و آموزشگر فعال بودند. ازاین‌رو، تأثیر به سزایی بر اصلاح و رشد آموزش‌وپرورش نوین و روشنگری در جوامع اسلامی خود داشته‌اند (Ahmad, 1992, P. 149). ازآنجاکه نومعتزله یک گروه خاص از اندیشمندان در حوزه دین هستند، می‌توان از مجموع آراء آنان تعریفی از تربیت که خاص آنان

1 .Linguistics

باشد و با دین هم مرتبط است، ارائه نمود. تأکید نومعتزله بر نقد عقل اسلامی، عقلانیت نقاد[1]، رهایی از جزم‌اندیشی[2]، رهایی از تقلید، اجتهاد با روش‌های نوین، تأویل و هرمنوتیک و اومانیسم(Archon, 2014, P. 311)، توجه به مقتضیات زمانه و تأکید بر آزادی است که در آموزش‌وپرورش مطلوب نومعتزله نیز انعکاس دارد. همچنین به فرهنگ و تربیت به عنوان ابزارهایی برای رسیدن به هدف‌های خود توجه داشته‌اند. نخستین استنتاج تربیتی از مبانی اندیشه‌های نومعتزله این است که نومعتزله روشنگری، فرهنگ، تربیت و آموزش را بهترین گزینه و تواناترین راه اصلاح و توسعه جوامع اسلامی می‌دانند.

جابری از نومعتزله های مطرح در حوزه تربیت بر این عقیده است که «تربیت هم غایت است، هم وسیله، هم فلسفه است، هم فن و هم علم.» (Jaberi, 1977, P. 151). از دیدگاه او، تربیت در بیشتر نظام‌های ایدئولوژیک وجود دارد و تحت تأثیر ایدئولوژی کاذب و طبقاتی است. او خواهان تدوین نظریه‌ای تربیتی با ویژگی‌های «علمی، غیر ایدئولوژیک و ملی» است (Jaberi, 1977, P. 148). تفاوتی که مفهوم تربیت نومعتزله در مقایسه با مفهوم تربیت (در ادبیات تربیت) دارد، مقوله اسلامیت است که البته چنین تفاوتی منطقی است؛ زیرا مفهوم تربیت در نومعتزله سازگار با ساختار نظری این نحله کلامی است و تفاوت عمده دیگری ندارد. تربیت نومعتزله با تربیت دانشگاهی تفاوت بنیادین ندارد. وجه ممیزه آن برخاسته از وجوه ممیزه دینی و جغرافیایی نومعتزله است. تعریفی که از تربیت اسلامی بیان می‌شود با مفهوم تربیت نومعتزله تفاوت‌هایی دارد. چنانکه، باقری تربیت را «شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر» تعریف می‌کند (Bagheri, 2015, P. 44). نومعتزلیان هدف را ربوبی شدن نمی‌دانند و از تربیت در عصر انحطاط که به هدف‌های این جهانی توجه نداشته است، انتقاد می‌کنند(Jaberi & Hanafi, 2013, P. 46). بزرگان اندیشه نومعتزله از جمله آرکون، جابری و ابوزید هدف تربیت را سعادت در این جهان می‌دانند (Vasfi, 2008, P. 157).

نومعتزلیان به دنبال یافتن راه‌های برون‌رفت از عقب‌ماندگی جوامع اسلامی هستند و یکی از عوامل اساسی این معضل را عدم توجه تربیت اسلامی رایج به سعادت این جهانی می‌دانند. براین اساس تعریف تربیت از نظر نومعتزله گرچه در مقوله‌های بنیادین با تعریف تربیت در سطح عام (دانشگاهی و کلاسیک) و اسلامی همخوانی دارد اما حائز ویژگی‌های خاص خود می‌باشد. چنانکه مفهوم تربیت نومعتزله بر مقوله‌های کثرت‌گرایی، آزادی، انسان‌محوری، عقل‌گرایی، نگاه انتقادی و نوسازی تأکید دارد که آن را از تربیت اسلامی سنتی متمایز می‌سازد و با بیان عناصر اسلام‌گرایی مدرن، تعریف آنان از تعریف تربیت دانشگاهی و

1 .Critical Rtionalism
2 .Dogmatism

کلاسیک متمایز می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت تربیت از نظر نومعتزله «مجموعه آراء و کنش‌هایی است که مربیان بر متربیان به طور کثرت‌گرایانه، انسان محورانه و آزادی‌خواهانه و در جهت رشد عقل و شعور شهروندان برای رسیدن جامعه اسلامی به توسعه انجام می‌دهند.» به‌بیان‌دیگر، «تربیت مجموعه فرایندهایی است که شامل انتقال موضوع‌های ارزشمند برای زندگی با پشتوانه انسان‌محوری، آزادی، عقل و سعادت، برای رسیدن به جامعه اسلامی توسعه‌یافته است».

با بررسی آراء نومعتزلیان روشن می‌شود که گرچه آنها سکولار هستند اما سکولاریسم نومعتزله به طور عمده تفکیک دین از سیاست است و تفکیک دین از جامعه و تربیت نیست(Jaberi & Hanafi, 2013, P. 142). با توجه به اینکه نومعتزله اسلام را مهم‌ترین عنصر فرهنگ و جامعه (در کشورهای اسلامی) و دین را امری ضروری برای سعادت بشر می‌داند، لذا آموزش‌وپرورش مطلوب نومعتزله آموزش‌وپرورشی اسلامی است، البته اسلامی که بر اساس روش هرمنوتیکی و عقلی آنان تفسیر شده است. به‌بیان‌دیگر، تربیت نومعتزله تربیتی دینی است که با مبانی فلسفه سیاسی غرب (در مقوله‌های دمکراسی،آزادی، حقوق بشر و فمینیسم) ادغام شده است.

چالش‌ها و اختلاف هایی که میان نظریه‌های سنت‌گرایان اسلامی و نومعتزله مشاهده می‌شود و ناهمخوانی‌هایی که به ظاهر در مقوله‌هایی مانند عقل و دین، دین و حقوق بشر، برابری، فمینیسم، آزادی و کثرت‌گرایی به چشم می‌خورد، در مبانی تربیت دینی و رابطه دین و تربیت نومعتزله انعکاس مستقیم خواهد یافت. اصولاً نومعتزله به عنوان گروهی از نواندیشان اسلامی مدعی یافتن کلیدهای سازگاری اسلام و دنیای مدرنیته و منافع این جهان و آن جهان با تأکید بر نسبی‌گرایی، آزادی، ضرورت حفظ حریم شخصی هستند (Archon, 2014, P. 41). چنان‌که اندیشمندان نومعتزله از جمله ابوزید، آرکون و جابری مدعی‌اند که میان آن جهان و این جهان ناهمگونی وجود ندارد و ناهمگونی‌هایی که مشاهده می‌شود، نتیجه اسلام نیست بلکه نتیجه عوامل تاریخی و سیاسی است (Abu Zaid, 1992, P. 51). به‌طورکلی رابطه دین و تربیت نومعتزله در سه حیطه دانش، امور شخصی، و مبنای کثرت‌گرایی و آزادی چنین قابل‌بحث است:

۱) بر اساس نظریه های نومعتزله چنین استنباط می‌شود که دین و معرفت دینی به عنوان یک حیطه دانش، نقش مؤثری در حیطه تربیتی دارد. به‌عبارت‌دیگر، مبنای بسیاری از ایده‌های تربیتی نومعتزله از متون و مبانی اسلامی (علوم اسلامی) استخراج می‌شود.

۲) دین، معرفت دینی، مناسک و آداب آن به عنوان امر شخصی دانش‌آموزان، کارکنان آموزشی و تربیتی حضوری اختیاری، کثرت‌گرایانه و دمکراتیک دارد.

۳) دین و معرفت دینی به عنوان مهم‌ترین عنصر فرهنگی، تاریخی، میراث و سنت با رویکرد کثرت‌گرایانه قلمداد می‌شود.

با توجه به آراء و مبانی نظری مطرح شده، تعلیم و تربیت نومعتزله مبانی تربیت دینی ویژه خود را دارد و اسلام، عقل، استدلال، اختیار، آزادی، عدالت و کثرت‌گرایی استلزام‌های تربیت دینی نومعتزله را تبیین می‌کنند. این مبانی عبارت‌اند از: مُدارا، مخالفت با روش تلقین و القا، تقویت دین عقلی و برهانی، تربیت استدلالی، آزادی، احترام به ارزش‌های شخصی، کثرت‌گرایی.

مبانی تربیتی نومعتزله

با توجه به نظریه های دینی، فلسفی، اجتماعی و سیاسی نومعتزله می‌توان مبانی تربیتی آنان را تدوین و تبیین نمود. منظور از مبانی تربیتی مبانی نظری هستند که ساختار اساسی نظام تربیتی را شکل می‌دهند. در ادامه با توجه به مقوله‌ها و مبانی مهم نومعتزله مبانی تربیتی آنان ارائه شده است:

۱) **تربیت عقل‌گرا و اقناعی** (تأکید بر عقل استدلالی): نومعتزله در ادامه میراث فکری معتزله کهن، بر وجه عقلانیت و عقلانیت دینی تأکید دارد. این عقل‌گرایی بی‌تردید در امر تربیت نومعتزله تأثیر زیادی دارد و از عناصر غیرعقلانی و خرافه‌گرایی سنتی پرهیز می‌کند.

۲) **عبور از شکل‌گرایی دینی و تأکید بر غایت اصلی قرآن**: اندیشمندان نومعتزله مانند جابری و ابوزید در ساختار تحلیلی- تأویلی معرفت دینی و در تفسیر و تحلیل بسیاری از عناصر و مقوله‌های مربوط به آداب و سنن اسلامی، این مقوله‌های را جزئی و تاریخ‌مند معرفی می‌کنند و معتقدند که باید به غایت اصلی اسلام توجه داشت و غایت اصلی اسلام سعادت، عدالت و برابری بشر است (Abu Zaid, 2004, P. 88). بر این اساس، سعادت، عدالت و برابری در تربیت نومعتزله مبنایی است که وجهی خاص به این نوع از تربیت اسلامی می‌دهد.

۳) **تربیت انتقادی**: اصولاً نگاه تمام نومعتزلیان انتقادی است. آرکون، جابری و ابوزید بر ضرورت نگاه انتقادی تأکید دارند (Archon, 2015, P.169). آنان به اسلام سنتی نگاه انتقادی دارند. درنتیجه تربیت نومعتزله اساساً بر رویکرد انتقادی تأکید دارد و با هر کلیشه‌ای در حوزه تربیت به عنوان یک چالش برخورد خواهد کرد.

۴) **تأکید بر آزادی**: نومعتزلیان به عنوان گروهی از نواندیشان اسلامی که منتقد وضع موجود جوامع اسلامی هستند بر ضرورت گسترش آزادی در ابعاد دینی، سیاسی، فرهنگی و فردی تأکید دارند (Abu Zaid, 2004, P. 69) و این به عنوان مبنا و هدف در تربیت نومعتزله انعکاس دارد. آزادی در

تربیت نومعتزله شاکله نوینی از تربیت دینی (اسلامی) ارائه می‌کند که متربی خود بر اساس تفکر، اراده و انتخاب، سبک زندگی خود را در محدوده هنجارهای و قوانین اجتماعی انتخاب کند. درنتیجه تربیت نومعتزله از تربیت رایج سنت‌گرای دینی که از ابزار القاء، تلقین، تحمیل و تنبیه سود می‌برد، متمایز خواهد بود. چنان‌که از آسیب‌های تربیت دینی سنت‌گرا، عدم توجه کافی به آزادی در امر تربیت است و تربیت نومعتزله می‌تواند در حل این آسیب و معضل یاری‌رسان باشد و تربیت اسلامی را با آزادی بیشتر آشتی دهد.

۵) **تربیت عدالت گرا:** عدل از اصول معتزله است (Mohammad, 2012, P. 1033). نومعتزله نیز تحت تأثیر معتزله کلاسیک و مبانی اجتماعی- سیاسی خود بر اصل عدالت تأکید دارد و آن را از هدف‌های متعالی اسلام می‌دانند (Bu omran, 2003, P. 416). آنان با شیوه‌های تحلیلی و تأویلی خود پیرامون عدالت در قرآن نتایج تفسیری چالش‌برانگیزی ارائه نموده‌اند. این امر نتایج خاصی را در تربیت نومعتزله به دنبال دارد. تأکید نومعتزله بر برابری تمام انسان‌ها و برابری فمینیستی (Ahmad, 1992, P. 56) تربیت نومعتزله را متمایز از تربیت اسلامی سنت‌گرا می‌کند.

۶) **کثرت‌گرایی (معرفتی، دینی و سیاسی) و مُدارا:** کثرت‌گرایی معرفتی، دینی و سیاسی نومعتزله که تحت تأثیر اندیشه‌های آزادی‌خواهانه، انتقادی، هرمنوتیک و پست‌مدرن است (Abu Zaid, 2010, P. 509). تأثیر زیادی بر تربیت نومعتزله دارد و آن را از تربیت رایج اسلامی متمایز می‌کند. تربیت کثرت‌گرایانه نومعتزله همراه با رواداری[1] است که تجربه‌ای جدید در تربیت اسلامی است.

۷) **تربیت انسان‌گرای اسلامی**: نومعتزله، دین را عامل سعادت انسان و به ویژه سعادت این جهانی او می‌داند و قرائتی انسانی از دین ارائه می‌کند (Jaberi & Hanafi, 2013, P. 46). همچنین نومعتزلیان به عنوان نواندیشان دینی و تحت تأثیر مبانی فرهنگ سیاسی غرب بر حقوق بشر تأکید دارند. لذا انسان‌گرایی و تأکید بر حقوق بشر در تربیت نومعتزله تأثیر بنیادین‌دارد (Kahil, 2011, P.61).

۸) **قداست زدایی**: نومعتزله همانند معتزله قدیم با تأکید بر عقل و تفکیک دین از معرفت دینی، بسیاری از عناصر مقدس دینی را مربوط به تاریخ، ایدئولوژی و معرفت دینی می‌داند و با تفسیر و تأویل‌های خاص خود بسیاری از موضوع‌های دینی را تقدس زدایی می‌کند (Abu Zaid, 2010, P. 398) که این امر در مبانی تربیت نومعتزله مؤثر است.

۹) **اصلاح دینی متناسب با زمان**: آغاز نومعتزله که با فعالیت سید جمال‌الدین اسدآبادی بوده است خود

1 .Tolerance

به روشنی مشخص می‌کند که اصلاح دینی و اجتماعی چه اهمیتی برای نومعتزله داشته و دارد. درنتیجه تربیت نومعتزله بر اصلاح در تمام جوانب (دینی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تربیتی) و همچنین نوآوری و مدرن سازی جوامع اسلامی تأکید دارد که این امر تأثیر مستقیمی بر تعلیم و تربیت نومعتزله خواهد داشت.

هدف‌های تربیت نومعتزله

با توجه به اندیشه‌ها و هدف‌های اجتماعی، سیاسی و دینی نومعتزله می‌توان هدف‌های تربیتی آنان را استنتاج نمود که در گام نخست می‌توان این هدف‌ها را در سه مقوله کلی تغییر، رشد و سعادت تفکیک نمود:

۱) **تغییر**: اصولاً آغاز حرکت نومعتزله با سید جمال‌الدین اسدآبادی شروع شد و شعار آن ضرورت تغییر بود (Enayat, 2015, P. 113). نومعتزله با ضرورت تغییر و اصلاح رابطه تنگاتنگی دارد و اصلاح‌طلبی و تجددخواهی عنوان‌های دیگر آن است. تغییر در کلیه ابعاد (سنت، دین، سیاست و تربیت) در نظریه های آنان مطرح است. اما جهت تغییرات مطلوب نومعتزله به سوی آزادی، حقوق بشر، مدرنیته، رشد و توسعه، رفاه این جهانی و احیا عظمت تمدن اسلامی است.

۲) **رشد**: موج اول نومعتزله به دنبال پاسخ سؤال «چرا ملل اسلامی رشد نیافته‌اند؟» بودند. رشدنیافتگی سیاسی، اقتصادی و علمی مسئله‌ای بسیار حاد برای نهضت نواندیشی اسلامی در دو قرن اخیر بوده و پژوهش‌های تبارشناسی میراث و عقل اسلامی- عربی بزرگان نومعتزله از جمله آرکون و جابری در جهت آسیب‌شناسی و شناخت عوامل عدم رشد جوامع اسلامی- عربی بوده است (Abu Zaid, 2015, P. 69). بر این اساس رشد، مقوله‌ای مؤکد برای تربیت نومعتزله است. این رشد همه‌جانبه است و بر تمام ابعاد انسانی، دینی، فرهنگی، سیاسی ، اقتصادی و علمی تأکید دارد. بی‌شک تربیت نومعتزله راه‌کارهای علمی، آزادی‌خواهانه و غیر سنت‌گرایانه برای رشد همه‌جانبه (فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی) در نظر خواهد داشت.

۳) **سعادت**: نومعتزله برخلاف سنت‌گرایان و محافظه‌کاران دینی بر این باورند که دین برای سعادت اخروی و آسمانی نیست بلکه دین راهنمایی آسمانی برای سعادت بشر در این جهان است (Jaberi & Hanafi, 2013, P. 142). درنتیجه مفهوم سعادت در نومعتزله تقریباً با سعادت اسلام‌گرایان سنتی متفاوت است. در برآیند کلی از مجموع نظریه های نومعتزله مشخص است که آنان خواهان سعادت دو جهان هستند، اما تأکیدشان بیشتر بر این جهان است. به تعبیری دقیق‌تر نومعتزله سعادت آن جهانی را متصل به این جهان می‌داند و از سویی سعادت آن جهانی را بیشتر با تأویلات هرمنوتیکی خود

کم‌رنگ نموده‌اند و سعادت این جهانی (در مقایسه با اسلام‌گرایان سنتی) را پررنگ‌تر نشان داده‌اند.

این سه هدف کلی و مهم نومعتزله قابل‌تفکیک به هدف‌های جزی‌تری مانند نوسازی دینی و اجتماعی، رشد و توسعه (مدرنیته اسلامی و تناسب با زمانه)، سعادت بشری، رفاه این جهانی، کثرت‌گرایی، مُدارا، پرسش گری و نقادی، تربیت عقلی و استدلالی، تربیت انسان‌گرا، آزادی، عدالت، برابری، حقوق بشر، روش‌های نوین و استقلال فردی است.

روش‌های تربیت و تدریس

با توجه به مبانی و ویژگی‌های مطرح شده و تأکید نومعتزله بر نوسازی و ضرورت استفاده از روش‌های نوین، روش تدریس در کلاس‌های نو معتزله تجربه‌ای نوین در تعلیم و تربیت اسلامی خواهد بود. روش‌های تدریس در نظام تربیتی نومعتزله دربرگیرنده آموزش غیر عمودی، غیر اقتدارگرایانه و همراه با آموزش دمکراتیک افقی (مطرح در پست‌مدرن)، غیر تلقینی و روش اقناعی، استدلالی، انتقادی و کثرت‌گرایی معرفتی (چندصدایی، احترام به قرائت‌های متعدد) روش گفتگو، توافقی، پروژه‌ای، آزمایشی و پژوهشی خواهد بود که این امر می‌تواند به کاهش استفاده از روش‌های سخنرانی و آموزش یک‌طرفه اقتدارگرایانه سنتی رایج در بیشتر کشورهای اسلامی کمک کند.

محتوای درسی نومعتزله

چنانکه در مبحث هستی‌شناسی نومعتزله مطرح شد، مبانی هستی‌شناسی نومعتزلیان واقع‌گرایانه، تجربی، عین گرا و عقل‌گرایانه است. آنان برای هر امری به دنبال دلیل عقلی هستند (Razani, 2014, P. 261). از ویژگی‌های بارز آنان انکار بیشتر عناصر و مقوله‌های ماوراءالطبیعی از قبیل جن است. همچنین منکر دخل و تصرف نیروهای ماورالطبیعه در زندگی روزمره مردم می‌باشند (Abu Zaid, 2010, P. 85). دانش از نظر نومعتزله بر مبنای عقل بشر، استدلالی، تجربی و عینی گرا است و در محتوای درسی به علوم عقلی، تجربی و انسانی توجه دارد. علومی که با ویژگی‌های عقلی، نسبی‌گرا، کثرت‌گرا، انتقادی، تجربی، کاربردی و غیر ایدئولوژیک است. بنابر آنچه گفته شد محتوای کتاب‌های درسی نومعتزله می‌تواند مبتنی بر نکات زیر باشد:

۱) شناخت انسانی، علمی و واقعی: نومعتزله نقطه عزیمت خود را از فهم انسانی شروع می‌کند و روش علمی بررسی متون را روشی می‌داند که از مسیر واقعیت و فرهنگ عبور می‌کند و از امور حسی و متعین آغاز می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، از حقایق واقعی و بدیهیات آغاز می‌شود و به کشف امور مجهول دست می‌یابد.

۲) استفاده از روش گفتگو: نو معتزله به تبعیت از اصالت و اعتبار روش گفتگویی و دیالکتیک در رویکرد هرمنوتیک تلاش می‌کند با ادعاهای مدلل عقلانی و به شیوه‌ای آزادمحورانه و دموکراتیک انتخاب افراد را هدایت کند و از هرگونه تبلیغات پرهیز نماید.

۳) محتوای معقول: محتوای برنامه درسی باید بر مبنای عقل و استدلال و متناسب با مخاطبانشان تهیه و تدوین شوند و نباید از محتوای کم‌مایه و ضعیف در امر آموزش بهره گرفته شود.

نظام تربیتی نومعتزله

نظام آموزشی نومعتزله مبانی نوین و متمایزی نسبت به سنت‌گرایان دارد. این مبانی در راستای تجدد و نوسازی، تغییر و تحول، ضرورت مدرنیته، آزادی و اختیار، دمکراسی، حقوق بشر، نگاه انتقادی و کثرت‌گرایی (معرفتی، دینی، سیاسی) است. هدف نخستین این نظام آموزشی بازسازی در سطح هدف‌ها، روش و محتوا است و در سطح کلان بر توسعه، مدرنیزاسیون، دموکراسی، اخلاق‌گرایی و پویایی تأکید دارد. انعطاف و رواداری از عناصر بنیادین این نظام خواهد بود. همچنین تجربی بودن از مختصات این نظام است، بدین معنا که نظام آموزشی نومعتزله در فرایند ادغام اسلام با آزادی، مدرنیته و کثرت‌گرایی تجربه‌ای نوین خواهد بود. تجددخواهی و روش تفسیری نومعتزله نوآوری را در پی دارد. به طورنمونه، با توجه به این موضوع که آزادی و هنر نقش اساسی در مقوله جاذبه و دافعه تربیت دارند و تأکیدی که بیشتر این متفکران بر آزادی و هنر دارند (Abu Zaid, 2013, P. 60) نقیصه عدم توجه به عناصر زیباشناختی و هنر موجود در نظام تربیتی کشورهای سنت‌گرای اسلامی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

ابوزید در کتاب «*التفکیر فی زمن التکفیر*» در مورد نظام تربیتی مطلوب و آرمانی خود می‌نویسد: «تنها راه گذر از مشکلات و غلبه بر بحران‌های معاصر در همه سطوح، داشتن یک نظام آموزشی توانمند است که قادر به رشد و توسعه همه‌جانبه استعدادها و توانایی‌های عقلانی، جسمانی، روانی و حتی خیالی انسان باشد. به غیر از این طریق، راه دیگری سراغ نداریم. نظامی که در آن باید حتی به هنرهای زیبا، آداب و فنون انسانی توجه شود. اما باید گفت که تحقق چنین نظامی بدون اشاعه و گسترش فرهنگ آزادی در جامعه امکان‌پذیر نیست ... مقصود ما از آزادی، آزادی تفکر، آزادی بحث، آزادی مناظره و گفت‌وگو بدون هیچ‌گونه محدودیت و پیش‌فرض و یا هدف‌های از پیش تعیین شده است که محقق (متفکر) ناگزیر به وصول به آن‌ها است (Abu Zayd, 1995).

نتیجه

نومعتزله در پی خوانشی جدید از اسلام و تغییر وضعیت موجود جوامع اسلامی به وضعیت مطلوب است. نومعتزلیان با تمرکز بر مسائل مرتبط با انسان‌محوری نظیر عقل، اختیار و آزادی که در بطن اسلام نیز

قرار دارند، خواهان تغییر اصلاح و توسعه هستند (Kahil, 2011, P.62) و هرگونه تغییر و اصلاح را از راه مسالمت‌آمیز فرهنگی-آموزش دنبال می‌کنند. تعلیم و تربیت نومعتزله تلاشی تجربی گرایانه و نوین است که چندین مقوله و مبنا را که تاکنون پیوند نیافته‌اند را پیوند می‌دهد. این مبانی عبارت‌اند از: اسلام، اختیار، آزادی، عقلانیت، حقوق بشر، رفاه، کثرت‌گرایی و نسبی‌گرایی که به یک تعبیر امتزاج اسلام و مدرنیته غربی است. این غایت به گمان و باور برخی از منتقدان تناقض بنیادین‌دارد. در تعلیم و تربیت نومعتزلیان آنچه مورد تأکید فراوان قرار می‌گیرد عبارت‌اند از: تأکید بر آزادی در تعلیم و تربیت و به ویژه آزادی دانشگاهی، عدالت آموزشی، تشویق عقلانیت و تفکر، نوآوری، استفاده از روش‌های گفتگو، نقد و مباحثه در تعلیم و تربیت، تأمین فرصت آموزشی برابر برای مردان و زنان، طرفداری از تحقیقات علمی و بنیادی برای حل بحران‌های جامعه معاصر، مبارزه با جهل و خرافات، توجه به همه جنبه‌های آدمی (عقلی، عاطفی، بدنی، تخیلی) در تعلیم و تربیت، تأکید بر استقلال و عدم وابستگی نظام آموزشی و به ویژه دانشگاه به هیچ نهاد یا حزب دولتی یا دینی، توجه به موضوع‌هایی چون هنر و موسیقی در برنامه درسی است.

چالش‌ها و انتقادهایی که نومعتزله با آن روبروست را می‌توان در دو حیطه عمومی و خاص (رویکرد تربیتی) دسته‌بندی کرد. در حیطه عمومی نومعتزله با نقد دو موج سنت‌گرا و سکولارهای غیر دین‌دار مواجه است. منتقدان دین‌دار که اصولاً سنت‌گرایان اسلامی هستند، به اصول و مبانی سنت که تبدیل به عرف دین شده است، اهمیت می‌دهند. همچنین در ساحت مبانی اسلام سنتی به ظاهرگرایی و فرمالیسم دینی اهمیت می‌دهند و مخالف تفسیر و تأویل‌های افراطی و تمثلی دانستن موضوع‌های قرآن هستند. به‌عبارت‌دیگر، از نظر سنت‌گرایان اسلامی تفسیری که نومعتزله از مبانی اندیشه‌های اسلامی دارد، افراطی و بدعت است و درنتیجه تعلیم و تربیت نومعتزله نیز افراطی و بدعت خواهد بود، همچنین از نظر سکولارهای غیرنومعتزله ترکیب اندیشه‌های اسلامی با مبانی فلسفه سیاسی غرب مانند آزادی، فمینیسم، حقوق بشر، کثرت‌گرایی و نسبی‌گرایی التقاطی ناممکن است.

سنت‌گرایان فرایند نزول قرآن را چنانکه در شرح قرآن و حدیث آمده است، قبول دارند و مخالف تعبیرها و تأویل‌های عقلی و هرمنوتیکی و تحلیلی (زبانی و نشانه‌شناسی و تبارشناسی نومعتزله هستند. سنت‌گرایان محافظه‌کار در تفسیر و فهم دین شکل گرا و ظاهرگرا هستند و موضوع جن را با شرح قرآنی و روایت‌ها بدون تأویل پذیرفته‌اند. اما نومعتزله در ادامه مسیر تفسیری و تأویلی عقل‌گرایانه و هرمنوتیک مدرن و پست‌مدرن (مانند آرکون) و حتی محمد عبده، قصص قرآن را صرفاً ادبیات غایتمند می‌دانند؛ یعنی قصص قرآن را ادبیات با قصد و غایت هدایت می‌دانند و پدیدارهای مشروح در متون اسلامی را امور جزئی می‌دانند

و تأکیدشان صرفاً بر هدف و غایت اصلی متن است که همانا هدایت است. بنابراین این امر تفاوت بنیادین، شکاف و اختلاف میان دو جبهه سنت‌گرا که رویکرد حداکثری به دین دارد و نومعتزله را که نگاه حداقلی به دین دارد، ایجاد می‌کند و آنها را روبروی هم قرار می‌دهد. سنت‌گرایان بر این باورند که نومعتزله با عقل بشری ساحت قدسی را تحلیل می‌کند و این نه ممکن است و نه مجاز و نه عقلی. همچنین برجسته‌ترین انتقاد و اشکالی که سنت‌گرایان به نومعتزله نسبت می‌دهند این است که ساحت قدسی (شامل قرآن و پیامبر و جبرییل و جن و پری و کل امور متافیزیکی) را نباید با عقل بشری تحلیل نمود و اگر قرار است با عقل بشری و روش‌های نوین تحلیلی و فلسفی و روش‌شناسی مدرن تحلیل و تفسیر شوند، دیگر چه نیازی به ارسال نبی و وصی و دین بوده است؟ بشر محتاج راهنمایی و هدایت عقل فوق بشری بود و چنین هدایت آسمانی انجام شد. پس نباید با فهم بشری ساحت قدسی را تحلیل عقلی و فلسفی نمود. اما معتزله و نومعتزله چنین استدلالی را نمی‌پذیرند و در رد این نقد مدعی هستند، عقل بشری را خدا داده است و خداداد است و چون خداداد است پس اعتبار و مقبولیت دارد و اگر خدا به بشر عقل اعطا نمی‌کرد، همچون حیوانات دیگر، برایشان دین و نبی ارسال نمی‌کرد. اگر دین و نبی دریافت شده است با توجه و سازگار و هماهنگ با علم خدا و هماهنگ با فرایند تکوینی آگاهانه (هستی) از سوی پروردگار انجام شده است. درنتیجه عقل بشری سازگار با عقل کلی است. و بنابر سخن ابن رشد خدا هیچ امری را که عقل خداداد نمی‌پذیرد، قبول ندارد. پس تفسیر و تأویل و فهم بشری از دین نزد نومعتزله از امور بنیادین آنان و از وجوه اصلی اختلاف با سنت‌گرایان است. این اختلاف، اختلاف در مبانی و کلیات و جزییات متعددی را به همراه داشته است و در ساحت برخورد با هدف‌های زندگی، رفاه و مفهوم زندگی و مفهوم سعادت و شیوه برخورد با عناصر مدرنیسم و تفسیری که از آزادی و دمکراسی و حقوق بشر دارند را متفاوت می‌کند و همه این تفاوت‌ها رویکرد تربیتی نومعتزله را در تقابل با رویکرد تربیتی اسلامی سنت‌گرا قرار می‌دهد. چالش‌ها و انتقادهایی که این رویکرد با آن روبروست، در حیطه خاص و بحث تربیت است.

References

Abu Zayd, N. H. (1995). *Text, Power, Reality*. Beirut: Arab Cultural Center. (In Arabic).

Abu Zayd, N. H. (2004). *Circles of Fear*. Darlbaida: Arab Cultural Center. (In Arabic).

Abu Zaid, N. H. (2010). *The Meaning of Text*. (M. Kariminia., Trans.). Tehran: Tarhe New Publication. (In Persian).

Abu Zaid, N. H. (2013). *Innovation, Sanctions and Interpretation*. (M. Khalaji, Trans.). Tehran: Amozeshgah Tavana Publication. (In Persian).

Abu Zaid, N. H. (2015). *Android and Excommunication*. (M. J. Kalam, Trans.). Tehran: Negahe Maaser Publication. (In Persian).

Ahmed, L. (1992). *Women and Gender in Islam*: *Historical Roots of a Modern Debate*.

Published by: Yale University Press.
Archon, M. (2015). *Islamic Knowledge: Readings Based on The Humanities*. (A. Savari, Trans.). Tehran: Nasle Aftab Publication. (In Persian).
Archon, M. (2014). *From Ijtihad to Critique of Islamic Reason*. (M. Khalaji, Trans.). Tehran: Amozeshgah Tavana Publication. (In Persian).
Atshzayi, M. (2014). A Review on the Thoughts of Nasr Haamid Abu Zayd. *JNASCI.*1028-1034.
Bagheri, K. (2015). *Reviwing to Islamic Education*. Vol.1. Tehran: Madresse Publication. (In Persian).
Bagheri Nia, H. (2015). A Comparative Study of The Philosophical Foundations of Tradition-Oriented Approach Realistic Approach of Seyyed Hossein Nasr & Hamed Abu Zeid Modern Approach to Religious Education in Pathology. *Journal of a Foundations of Education*: 1, pp.122-104.
Beheshti, N. (2014). Similarities and Differences of Mu'tazila and New Mu'tazila in literary Approach to The Qur'an. *Journal Thaqalayn*: 3, pp. 522-499.
Bu omran, S. (1993). *Disposal problem in Islamic Thought and Mu'tazila Answer to It*. (E. Saadat, Trans.). Tehran: Hermes Publication. (In Persian).
Corben, H. (1994). *History of Islamic Philosophy*. (J. Tabatabai, Trans.). Tehran: Kavir Publication. (In Persian).
Enayat, H. (2015). *Review in Arab Political Thought*. Tehran: Amir Kabir Publication. (In Persian).
Goli, J. and Yousefian, H. (2010). Main Streaming New Mu'tazila. *Journal of theological knowledge*, the first year, the third number, pp. 115-142.
Gunther, U. (2004). *Mohammed Arkoun: Towards a Radical Rethinking of Islamic Thought*. *In Modern Muslim Intellectuals and The Qur'an*, (S. T. Farouki, Edit.). London: Oxford University press.
Jaberi, M. A. (1977). *For a Progressive Story: For Some of Our Intellectual and Educational Problems*. Darlbaida: Dar Alnashr Morocco. (InArabic).
Jaberi, M. A. (2010). *Critique of Arabic Reason*. (S. M. al-Mahdi, Trans). Tehran: Nasle Aftab Publication. (In Persian).
Jaberi, M. A. & Hanafi, H. (2012). *Dialogue of East and West of the Muslim World*. (B. Amanni, Trans). Tehran: Negahe Maaser Publication. (In Persian).
Kahil, M. (2011). *Alensaneh and Tawawil in the Thought of Muhammad* Archon. AlRebat: Darelaman. (In Arabic).
Kermani, N. (2004). *From Revelation to Interpretation: Nasr Hamid Abu Zayd and the Literary Study of the Qur'an*. *In Modern Muslim Intellectuals and the Qur'an*. (S. T. Farouki, Edit.). London: Oxford University Press.
Muhammad, A. (2012). Mu'tazila-Heresy; Theological and Rationalist Mu'tazila; Al-mamun, Abbasid Caliph; Al-mutawakkil, Abbasid Caliph; The Raditionalists. *Middle-East Journal of Scientific Research: 12 (7)*, pp. 1031-1038, Pakistan.
Peters, R. S. (2015). *Ethics and Education, George Allen & Unwin Ltd*. London.
Rahman, Y. (2001). *The Hermeneutical Theory of Nasr Hamid Abu Zayd: And Analytical Study of His Method of Interpreting The Quran*. Mc Gill University. Montreal: Mc Gill University.
Razani, G. (2014). *From Mu'tazilism to New Mu'tazilites, a Study of Factors in Shapping The Formation of Intellectual Evolution of old Mu'tazilism and New Mu'tazilism*. J.

Sci. Today's World: 3 (6), 258-265.

Sadeghzade Ghamsarie, A. (2002). Religion and Education; Islamic and Christian Approaches. *Quarterly Journal of Humanities Methodology*, No. 32, fall 2002, P.11

Tavakoli Bina, M. & Akbari, R. (2012). Epistemological Validity of the Quran from the Perspective of Nasr Hamid Abu Zayd: Cultural-Iiterary Approach. *Journal of Philosophical - Theology Researchs:* 52, 5-24.

Vasfi, M.R. (2008). *New Mu'tazila: Critical Dialogue with Nasr hamed Abu Zaid, Abed al-Jabri, Mohammed Archon, Hassan Hanafi*. Tehran: Negahe Maaser Publication. (In Persian).

Volker, K. (2011*). Quran and Reform (Rahman. Arkoun.Abu Zayd).* (Doctoral dissertation, University of Otago New Zealand, 2011).

Zainol, N., Abdmajid, L. & Abduul kair, M. (2014). Nasr Hamid Abuzayad, a Modern Muslim Thinker. *International Journal of Islamic Thought*: 5, 61-70.